

## شعر

هفت رنگ و با زیبایی  
رنگین کمون طاق می‌زنه.

سوسن بهار

\* \* \*

### اشعاری از سوسن بهار کودکانه!

در نور سرخ پنجره  
رو بال نرم شب پره  
از لای تور خاطره  
یکی با من حرف می‌زنه  
انگار صدای مادره:  
آره، جونم برات بگه  
قصه‌ی گرگه و بره  
\* \* \*

تو عطر باغ خاطره  
که غرق یاس و سوسنه  
ستاره‌های نقره‌ای،  
شبونه سوسو می‌زنه  
رویای خوش بوی پونه  
درای چوبی خونه  
رو شاخه‌های پیر کاج

### داروگم!

آواز می‌خونم بارون بیاد  
از غصه من بدم می‌یاد  
از حق و از آزادی  
از بازی و خوشحالی  
از فقر و از نداری  
بیکاری و بیماری  
از دوستی و همکاری  
براتون قصه می‌گم  
نه که سر بسته می‌گم!  
قصه‌های پیوسته  
ضد نژادپرسته!  
از جهل و از خرافه  
ناراحت و کلافه  
از جنگ از تفنگ از غصه من بدم می‌یاد  
کاری کنیم شادی بیاد  
می‌دونی کیم؟ داروگم!  
فصل نامه‌ی کودکم.  
آواز می‌خونم بارون بیاد  
از غصه من بدم می‌یاد  
زمین که از خشکی دربیاد  
شکوفه وقتی دربیاد  
پرنده که پر بزنده  
بارون که شر شر بزنده  
تو آسمون آبی

جغده که هو هو می‌زنه  
\* \* \*

واسه‌ی یک دنیا بچه.  
\* \* \*

### بازیای بیگونه

نکنه کسی خواب بمونه  
بچه‌ها برن جا بمونه  
خاطره‌های کودکی  
ماشینای زرد کوکی  
دویدنای تو کوچه  
خامه و عسل با کلوچه  
یا مغز گردو و پنیر  
راستی تو روباهی یا شیر؟  
\* \* \*

### تقدیم به جو دیت

پوست شکلات سرخ است.  
چشم‌های خسته‌ی من هم.  
مژه برهم می‌نهم  
هنگام درس  
و همکلاس پولدارم  
تکرار خواهد کرد:  
دوره گرد!  
\* \* \*

درس حساب و هندسه  
هوا چه بد جوری پسه  
بارون که شُرُشُر می‌زنه  
توی حیاط مدرسه  
به گوشای خیس همه  
صدای فرشاد می‌رسه:  
باز باران با ترانه، با غزل‌های فراوان  
می‌زند بر بام خانه!  
خانم ناظم می‌گه بسه!  
\* \* \*

### تقدیم به فاطره‌ی گلوبال مارچ

هوای بازی تو سرم  
وقتشو اما ندارم  
در ریاضی زندگی  
شادی رو من کم می‌آرم.  
من یک کودک کارگرم  
تن پوشی کهنه به تنم  
الماسی رو تراشیدم  
نه واسه‌ی گردن خودم  
هزار تا یاسمن چیدم  
بی هیج گلی رو پیرهنم  
هزار تا کورک پنبه  
نشد بالشت زیر سرم.

پرنده‌ای آبی و زرد  
شیرجه می‌ره رو یه شاخه  
از لای منخملای ابر  
زمزمه‌ای لطیف و گرم  
مث پر یه سینه سرخ  
رنگی و نرم  
چیزی می‌گه به چهچه  
خاطره نه، رویاس اینا!

در تب و خستگی کار  
شعله‌های سرخ آتیش  
گزنده بود، رقصی نداشت  
نارنجی‌های فشفشه  
ترقه‌های سبز و سرخ

قلب تو مال من  
و هرگز آن را پس نخواهم داد  
خوشبختی من خوشبختی توست  
خوشبختی تو خوشبختی من  
و اشگ تو اشگ من است وقتی  
که گریه می‌کنی  
نیلس فرلین، شاعر مردمی قرن ۱۸ سوئد

تو دستای کوچک من  
با رنگ ترس و دلهره  
شلاق و ترکه‌ی کتک  
فرقی نداشت.  
هوای شادی تو سرم  
شوق آزادی تو دلم  
نگاه کن گرد جهان  
رو به تو فریاد می‌زنم.

\*\*\*

سوسن بهار

### فقط سئوال

میشکی سوئدی بلد نیست.  
او شاگرد جدید است  
میشکی احتیاج به دستشویی رفتن دارد.  
میشکی به طرف در می‌دود  
و معلم از او سئوال می‌کند؟  
میشکی نمی‌تواند جواب بدهد.  
اما معلم فقط می‌پرسد!  
میشکی می‌ایستد و شلوارش را خیس می‌کند.  
میشکی که هشت سال را به تازگی تمام کرده  
در شلوارش جیش می‌کند.  
همه‌ی کلاس می‌خندد  
و معلم آه می‌کشد، نه!  
میشکی اجازه می‌یابد که به خانه رود  
و مامان شروع به سئوال کردن می‌کند  
اما میشکی نمی‌خواهد جواب دهد.  
اما مامان، فقط می‌پرسد!

مکا لیند

\*\*\*

### سه شعر از سیو ویدر بری

بیشتر وقت‌ها

\*\*\*

### عشق می‌آید و عشق می‌رود

هیچ کس نمی‌تواند قانون عشق را توضیح  
دهد  
اما تو را من می‌خواهم همراهی کنم در  
زمستان و در بهار  
و تمام روزهای زندگی‌ام  
قلب من مال توست  
قلب تو مال من  
و هرگز آن را به تو نخواهم داد  
خوشبختی من مال توست  
خوشبختی تو مال من  
و اشگ تو اشگ من است وقتی که تو  
می‌گریی  
عشق اعجاز برانگیز قوی است،  
و هیچ چیز در این جهان آن را درهم  
نمی‌شکنند  
رزهای سرخ از سخت‌ترین زمین می‌رویند  
چون خورشید که بر فراز دشت تاریک به  
درخشش در می‌آید.  
قلب من قلب توست

تا به هم رسیدند  
چشم‌هایم را که بستم  
ستاره‌هایمان هم خوابیدند.  
\* \* \*

### دوستت دارم

آن قدر دوست دارم  
که رودخانه دریا را  
پروانه شمع را و کلام عاشقانه  
پرواز را.  
چنان می‌پرستم  
که اسیر  
آزادیش را  
دانه  
خورشید را و پرنده‌ی شکسته بال  
پرواز را.  
و چنان دل درون سینه‌ام می‌طپد کنون  
که رود خروشان در هجوم سیل  
که قله‌ی اورست  
در انتظار آتشفشان  
و چنان دوستت دارم گرم  
که شعله‌های آتش باز می‌ایستند از رقص  
در حضور خیالت با من.

\* \* \*

### پیانو

با نغمه‌ی پیانو شاد می‌شوم  
سحرآمیز است انگار!  
اشک‌هایم آرام بروی پیانو می‌غلطند  
و ملودی‌ای را می‌نوازند  
که صدایش مثل چکه چکه کردن قطره‌های  
آب است

نان از شعر  
مهم تر است.  
نگاه کن  
یک غنچه‌ی شعر  
از درز اسفالت خیابان  
می‌شکفتد.  
\* \* \*

چه کسی شعرهای تو را می‌خواند؟  
تو چه شعرهایی می‌خوانی؟  
رازگونه‌ترین شعرت را  
در جای امنی مخفی کن.  
شب‌ها بخوان، وقتی که برادر بزرگت  
خوابیده است.  
\* \* \*

شعرهایی هست  
که پدران نمی‌خوانند.  
چه می‌نویسی؟  
برای که می‌نویسی تو؟

ترجمه: سوسن بهار

\* \* \*

### دو شعر از فریده ابلاغیان

#### ستاره‌ی من و تو

دیشب تا به تو می‌اندیشیدم  
ستاره‌ها هم بیدار بودند  
ستاره‌ی من چشمک می‌زد  
ستاره‌ی تو هم.  
ستاره‌هایمان به دنبال هم دویدند

در روز سرد گرما می‌بخشد در آسمان  
و من؟  
من، گرما و نور می‌دهم به زندگی  
در جهان  
به خاطر عشق.

\* \* \*

آسمان زیباست  
چون آبی زیباست.  
گل رز زیباست  
چون سرخ زیباست.  
شب زیباست  
چون سیاه زیباست.  
برف زیباست  
چون سپید زیباست.  
خورشید زیباست  
چون زرد زیباست.  
اما بنگر:  
رنگین کمان زیباترین است  
چون همه‌ی رنگ‌ها با هم زیباترند.

\* \* \*



گاهی فراموش می‌کنم  
غصه‌ی دلم را  
گاهی غصه‌ام را می‌نوازم  
سعی می‌کنم تا می‌توانم دور شوم  
تا دور دست‌ها  
از این جهان سرد تا بی‌نهایت فاصله بگیرم  
به نئی تبدیل شوم،  
که شنیده و دوست داشته می‌شود.  
از نواختن لذت می‌برم  
باز ایستادن نمی‌توانم!  
گاهی دوست دارم فقط گوش فرا دهم.  
آرامش پذیرم تا  
قلب غمگینم جلایی یابد  
نفرتم را با ملودی مهاجمی بیرون بریزم  
در یک ملودی لطیف و عاشقانه  
امنیت یابم  
سعی می‌کنم از زندگی فرار کنم  
و آهنگ پیوسته‌ای را بنوازم!  
اما به واقعیت باز می‌گردم  
و دردها را زندگی می‌کنم  
برای همین هم  
می‌نوازم!  
به دنیای دیگری می‌روم  
دنیای پیانو.

بنفشه، استکهلم ۹۴، (ترجمه از سوئدی)

\* \* \*

## دو شعر از رجب محمدین

ماه،

در شب تاریک، نور می‌بارد بر زمین  
خورشید،